

جراحی

شریفی نیا حلقه وصل
جاووشی و مهرجویی

● شرق: «نه» جاووشی به مهرجویی، گویا چندان سفت و محکم نبوده است. مرداد امسال، در شرایطی که داریوش مهرجویی از موافقت ضمنی محسن جاووشی برای حضور در فیلم «سنتوری ۲» گفته بود، خبر آمد این دعوت با پاسخ منفی جاووشی در اینستاگرام همراه بوده است. ظاهرا رقم پیشنهادی بالای ایسن خواننده، ادامه این همکاری را با مشکل مواجه کرده بود. رقم پیشنهادی جاووشی برای پروژه سنتوری ۲ یا دقیق تر «سنتوری، مرد پائیزی»، دو، سه برابر رقم کارگردان فیلم بود و همین باعث شد مهرجویی از دست اورنجیده خاطر شود. حال در جدیدترین خبر، محمدرضا شریفی نیا گفته است که محسن جاووشی با مهرجویی رفیق و قرار است این دو دوباره با هم همکاری کنند. به گزارش ایسنا، محمدرضا شریفی نیا در گفت وگو با تلویزیون «ویاچه»، از حضور جاووشی در سنتوری ۲ خبر داده و گفته: سنتوری جزء کارهایی است که در دست دارم و ان شاءالله اقبال خوبی در بین تماشاگران خواهد داشت. او در پاسخ به این سؤال که حضورش در فیلم سنتوری باعث شده انرژی خاصی به این مجموعه تزریق شود، گفته: وقتی آقای مهرجویی هست، ما دیده نمی شویم و مهرجویی خودش بمب انرژی است. شریفی نیا درباره بازگشت محسن جاووشی به مجموعه سنتوری افزود: «درخصوص بازگشت وی نقش داشتم، ولی جاووشی چون جزء مهرجویی است. او مدتی قبل در گفت وگویی با «شرق»، از توقیف «سنتوری» به عنوان جالبترین اتفاقی که در این سال‌ها در سینما برایش افتاده یاد کرد و گفته بود: «توقیف سنتوری، غم‌انگیزترین حادثه زندگی‌ام بوده و سبب شد این فیلم بی‌دلیل سقوط کند. تا آمدم پنجنیم، سی‌دی قاچاق فیلم بیرون آمد و امکانات تجاری فیلم از بین رفت. برای من از همه‌جای دنیا نامه نوشتند که این فیلم، فیلمی مؤثر بوده و خانواده‌ای حتی به من پیام دادند که پسرشان با تماشای این فیلم آنچنان متأثر شده که دیگر حتی سیکار هم نمی‌کند».

فرمان آرا مجوز گرفت

پروانه ساخت «دل دیوانه»



عکس: ای. نوبخت رستمی، شرق

فرانک آرتا: جدیدترین فیلم‌نامه بهمن فرمان‌آرا، کارگردان مطرح سینمای ایران، در آخرین جلسه شورای پروانه ساخت اداره کل نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی موفق به دریافت مجوز ساخت شد. بهمن فرمان‌آرا با اعلام این خبر در گفت‌وگو با «شرق» درباره جزئیات بیشتر فیلم توضیح داد: «عنوان فیلم جدیدم «دل دیوانه» است و موضوع آن درباره فاصله‌افتادن میان آدم‌هاست. اینکه وقتی آدم‌ها مدتی از هم فاصله می‌گیرند و بعد دوباره به‌هم‌می‌رسند، طبعاً روی نوع رابطه‌شان تأثیر می‌گذارد». با واردشدن این فیلم‌نامه به مرحله فیلم‌برداری، فرمان‌آرا، نهمین فیلم سینمایی خود را خواهد ساخت. گفته می‌شود پیش از این، فیلم‌نامه این هنرمند، «صحبتي با جنون» نام داشت که در ادامه آثار قبلی او یک فیلم‌نامه اجتماعی است. فرمان‌آرا در ادامه عنوان کرد: «تقریباً عوامل فیلم مشخص شده‌اند و قرار است اواخر آذرماه امسال فیلم‌برداری فیلم آغاز شود، اما چون هنوز قراردادها نهایی نشده، از آوردن اسامی هرئیز می‌کنم». این فیلم‌نامه تیرماه برای دریافت پروانه ساخت به سازمان سینمایی ارائه شده بود. همچنین فیلم آماده نمایش «دلم می‌خواد» منتظر اکران است. «دلم می‌خواد» فیلمی به نویسندگی امید سهرابی و تهیه‌کنندگی علی تقی‌پور و محصول سال ۱۳۹۲ است. داستان فیلم درباره بهرام فرزانه (رضا کیانیان، نویسنده‌ای است که مدت‌هاست نمی‌تواند داستان بنویسد، ولی ناگهان بر اثر یک تصادف اتومبیل، آهنگی در ذهنش تکرار می‌شود که او را به رقص می‌آورد. همین اتفاق شوق نوشتن را در او برمی‌انگیزد. «دلم می‌خواد» هشتمین فیلم بلند سینمایی فرمان‌آرا، با حاشیه‌هایی همراه شد و به‌همین دلیل از حضور در سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر بازماند. گروه

رضا آشفته: می‌گویند ممنوع‌الملاقات است. با آنکه به بیمارستان رجایی رفته‌ام تا ملاقاتش کنم، اما نمی‌شود، البته زودتر از ساعت ملاقات رفته‌ام و از سوسوی هم سپرده‌اند که کسی با او ملاقاتی نکند. بنابراین برای آنکه من هم عاملی برای خراب‌شدن حالش نباشم ترجیح می‌دهم درباره‌اش بشنوم. نگران حالش هستم چون در خبرها آمده است که بیمه درمانی‌اش غیرفعال شده و او برای پرداختن هزینه‌های رایج بیمارستان که بسیار هم برای یک کارمند بازنشسته اداره تئاتر سنگینی می‌تواند باشد، به مشکل برخورد. برای همین بی‌قرارانه با خانه تئاتر تماس می‌گیرم تا از حال جعفر والی بپرسم؛ مردی که سال‌های پیش در کارگردانی تئاتر یک قله بود؛ کسی که ۹ متن گوهر مراد (دکتر غلامحسین ساعدی) را به صحنه آورده است. بسیاری از آنان که کارهایش را دیده‌اند معتقدند او یک آرتیست است؛ آرتیستی بی‌ادعا که هنوز آن چنان که بایدو شاید از توش‌وتوان کاری‌اش رمزگشایی نشده. بنابراین برای همه علاقه‌مندان تئاتر اهمیت دارد که کمترین امکان برای او در این روزهای سختی و بیماری، داشتن بیمه درمانی و تکمیلی است که بتواند به‌راحتی از پس این هزینه‌های هنگفت برآید. در خانه تئاتر، محمد بهرامی، مدیر روابط عمومی، از من می‌خواهد که برای کسب اطلاعات بهتر با سارا عابدی (علی بی‌غم» صحبت کنم. عابدی پیگیر است و دقیقاً نمی‌داند که چه اتفاقی برای بیمه‌اش افتاده است و پوزش می‌خواهد از اینکه مجبور شده‌اند برای جلوگیری از شلوغ‌شدن بیمارستان و تا بهبودی کامل جعفر والی اعلام کنند که ممنوع‌الملاقات است. سارا عابدی، از کارکنان روابط عمومی، تأکید کرد که بیمه تکمیلی جعفر والی از سوری خانه تئاتر صادر شده و دراین‌باره نیز مشکلی ندارد، اما هنوز بیمه درمانی‌اش درست نشده است. در ادامه با علی بی‌غم، بازیگر تئاتر که همراه جعفر والی است، کپ می‌زنم. خبرهای خوبی می‌دهد؛ مسئله بیمه درمانی جعفر والی، کارگردان و بازیگر بنام تئاتر، سینما و تلویزیون ایران، با حضور مدیر روابط عمومی صندوق بازنشستگی کشور در بیمارستان رجایی و دیدار با این هنرمند حل‌وفصل شده است. او می‌گوید: باوجود آنکه روز سه‌شنبه با خبرگزاری مهر کپی زده و خبر داده بودم به دلیل قطع‌شدن حقوق جناب جعفر والی، بیمه درمانی‌اش نیز قطع شده، اما گویا در اینجا سوئف‌ها همی ایجاد شده است. البته این سوئف‌ها هم با حضور مسئولان صندوق بازنشستگی کشور و دادن توضیحاتشان برطرف شد، چون دریافتیم که این مشکل از طرف ارشاد است که حق بیمه جناب والی را به‌موقع پرداخت نکرده و ازهمین رو بیمه‌اش قطع شده است. ما به‌جای گلابه از آنان، از صندوق بازنشستگی گلابه‌کرده‌ایم که من از دلشان درآوردم، چون با مساعدت ایشان فعلاً مسئله بیمه درمانی هم حل‌وفصل شده است. این بازیگر می‌افزاید: این مسئله با مساعدت معاون مرکز ارتباطات مردمی دفتر ریاست جمهوری در تماس با صندوق بازنشستگی که درباره قطع‌شدن حقوق جناب والی توضیح می‌خواهند پیگیری شده و به حل‌وفصل انجامیده است. او ادامه می‌دهد: حال عمومی جعفر والی خوب است و در اتاقش در بیمارستان شهید رجایی در حال استراحت است تا اجازه ترخیص برای گذراندن دوره نقاهت صادر شود. «علی بی‌غم» به نقل از پزشک معالج والی می‌گوید که وی حالش از روز دوشنبه بهتر است و از بخش مراقبت‌های ویژه به بخش عمومی منتقل شده، بی‌غم ابراز امیدواری می‌کند که اگر مشکل دیگری نداشته باشد و به‌زودی مرخص شود. او به دلیل بیماری قلبی و مضاف‌برآن عفونت ریه به دلیل آلودگی شهر تهران در بیمارستان

از قطع بیمه تا تکريم در بیمارستان

جعفر والی «دیپلمات» می‌شود



عکس: مهر داد حجتی

بستری شده بود و با مراقبت‌های ویژه پزشکان معالج سرفه‌اش کمتر شده و حال عمومی‌اش نیز رو به بهبودی است. بی‌غم در پایان اظهار امیدواری کرد که حق بیمه جعفر والی پس از این از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌موقع پرداخت شود که باز با چنین مشکلاتی مواجه نشوند. همچنین روابط عمومی صندوق بازنشستگی کشوری نیز درباره مشکلات پیش‌آمده برای حقوق و بیمه جعفر والی، پیش‌کسوت تئاتر و تلویزیون، توضیح داد. حامد شمس، مدیرکل روابط عمومی صندوق بازنشستگی کشوری، در گفت‌وگو با مهر درباره مسائل و مشکلات حقوق و حقوق بیمه جعفر والی، هنرمند پیش‌کسوت تئاتر، توضیحاتی را ارائه کرد و گفت: آقای والی بیمه تکمیلی دارد و قرارداد بیمه وی تا روز ۳۱ مرداد ۹۶ برقرار است. وی ادامه داد: همچنین حقوق ایشان طبق بررسی‌هایی که ما داشتیم، همچنان پابرجاست و قطع نشده است. شمس در پایان گفت: ما روز سوم آذر به نمایندگی از صندوق بازنشستگی کشور به عیادت ایشان در بیمارستان رقتیم. جعفر والی، هنرمند پیش‌کسوت تئاتر و تلویزیون، در بیمارستان بستری شده است و علی بی‌غم، بازیگر تئاتر که پیگیر مسائل بیمه و حقوق بازنشستگی اوست، شب دوم آذر به مهر اعلام کرد که والی با مشکلاتی نظیر بیمه ... مواجه است.

در گوش سالم زمزمه‌کن

جعفر والی در حال تمرین نمایش «در گوش سالم زمزمه‌کن» است تا اگر بتواند آن را، به جشنواره تئاتر فجر برساند. این هنرمند پیش‌کسوت تئاتر که قرار بود آذرماه نمایش خود را در سالن سایه تئاترشهر اجرا کند، یک هفته پیش در گفت‌وگویی با ایسنا بیان کرد: این روزها در حال تمرین نمایش «در گوش سالم زمزمه‌کن» هستیم تا آن را در دو شب پایانی جشنواره تئاتر فجر به صحنه ببریم و بعد اجرای عمومی را پس از جشنواره، در تئاترشهر آغاز کنیم. او گفت: این نمایش دو پرسوناژ دارد و داستان آن درباره دو پیرمرد مهاجر است که قصد دارند خودکشی کنند، اما تصمیم می‌گیرند به همین بهانه روز آخری را که زنده هستند، حسابی لذت ببرند. والی افزود: نقش این دو پیرمرد را هرمز هدایت و ایرج راد بازی می‌کنند. وی همچنین اضافه کرد که در این فاصله باقی‌مانده تا زمان اجرای نمایش، سفری هم به خارج از کشور دارد تا ادامه درمان خود را در کشوری دیگر پیگیری کند. والی پیش از این، نمایش‌های «آی بکلاه آی بی‌کلاه»، «چوب‌به‌دست‌های وزیل» و «گاو» را اجرا کرده بود. او در سال‌های اخیر با بازی در دو نمایش «اتاق شماره شش» نوشته خسرو حکیم‌رابط براساس اثری از چخوف و «وینسنت، یک داستان ناتمام» نوشته بوشنر هر دو به کارگردانی ناصر حسینی‌مهر، روی صحنه رفت.

آخرین وضعیت والی

قرار است امروز پنجشنبه جعفر والی به بخش «دیپلمات» بیمارستان رجایی منتقل شود که به نوعی بخش ویژه و تا تسهیلات بهتر این بیمارستان است. این هم از آن دست طنزهای زمانه ماست که یک روز خبر می‌رسد تشکیلات بیمه درمانی نمی‌خواهد به جعفر والی تسهیلاتی بدهد و روز دیگر (و البته نه خیلی دور از روز اول) یکباره وقتی متوجه جاه و مقام فرهنگی این هنرمند می‌شوند، او را به بخش دیپلمات منتقل می‌کنند. البته جای شکر دارد که مسئولان این‌قدر سریع متوجه مشکلات هنرمندان می‌شوند؛ هرچند حق و حقوق والی به دلیل حضور مؤثر فرهنگی‌اش برای ایران‌زمین خیلی بیشتر از اینهاست. به امید بهبودی او.

سفر به آلمان

جایزه اول ششمین دوسالانه نقاشی دامون‌فر

تعیین شده که آن‌هم از منظر موضوعی آزاد است». او افزود: iranartfestival.com مسیر ثبت‌نام است. هر هنرمند سه اثر را که در دو سال اخیر خلق شده باشد می‌تواند روی سایت آپلود کند، آثار ارسالی پس از دو مرحله داورى به جشنواره راه خواهند یافت». پویاراد اعلام کرد: «ششمین دوسالانه نقاشی دامون‌فر ۲۰۲۰ دی در سینماگالری پردیس ملت آغاز به کار می‌کند و اول بهمن‌ماه با برپایی آیین اختتامیه و معرفی برگزیدگان به کار خود پایان می‌دهد». او گفت: «مثل همیشه جایزه نخست دامون‌فر، سفر به آلمان و بازدید از کارخانه فابریکاستل و شرکت در آکادمی است». این دوسالانه نقاشی با همکاری کویلو، فابریکاستل آلمان، «کانسون» و «پاپ» فرانسه برگزار می‌شود.

از فرط بی‌خوابی

هنر طاغوتی و هنرمند طاغوتی



مهر داد حجتی

● دهه ۶۰، دوران بازاندیشی در همه زمینه‌ها بود و «انقلاب فرهنگی» برای همین منظور رخ داد. انقلاب اسلامی به انقلابیون این فرصت را داده بود تا برای تحول در همه زمینه‌ها چاره‌اندیشی کنند و یکی از آن چاره‌ها، بازنگری در ساختار و بافتار فرهنگی جامعه بود که می‌بایست از دانشگاه‌ها آغاز می‌شد. انقلاب اسلامی پیش‌تر جهت این تحولات را نشان داده بود، اما قرار بود در ادامه تحولات اساسی‌تری رخ دهد. تحولات هرچند در ابتدا دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را شامل می‌شد، اما در طول مسیر قرار بود همه عرصه فرهنگ را دربر بگیرد. «ستاد انقلاب فرهنگی» که در ابتدا قصد بازنگری دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را داشت، با تبدیل‌شدن به «شورای عالی انقلاب فرهنگی» به نهاد مستقر و پایدار تبدیل شد که قرار بود همه اجزای فرهنگ جامعه را زیر نظر بگیرد و برای آن قانون وضع کند و هنر که بخش تفکیک‌ناپذیر فرهنگ است، از این قاعده مستثنا نبود. انقلاب اسلامی انقلابی ایدئولوژیک بود؛ انقلابی که قصد داشت همه دستاوردهای پیش از خود را طرد و ارزش‌های خود را ترویج کند. گروهی برای هنرنامه‌ی در «کاباره‌های شبانه» در این سیاهه قرار داشتند و گروهی دیگر برای ایفای نقش در فیلم‌های موسوم به «فیلمفارسی». اهالی موسیقی و بازیگران سینما بیشترین تعداد را در آن سیاهه داشتند. در همان سال‌ها بود که بسیاری از همین هنرمندان با اطلاع از مسودشدن راه فعالیتشان ترجیح دادند جلای وطن کنند و در جایی بیرون از مرزهای کشور موقعیت تازه‌ای را برای خودشان جست‌وجو کنند. «لس آنجلس» یکی از مراکزی بود که بسیاری از همین جلای‌وطن‌کرده‌ها را به خود جذب کرد. دو خاوندگان سرشناس دهه ۵۰ در غربت، دوران تازه‌ای از فعالیت خود را از سر گرفتند. آلبوم‌های موسیقی با صدای آشنای خوانندگان منتشر شد و در مدت کوتاهی سر از بازار قاچاق ایران درآورد! خوانندگان طردشده بار دیگر صدایشان در بسیاری از خانه‌ها شنیده می‌شد. بی‌آنکه دستگاه رسمی «صداوسیما جمهوری اسلامی» یا «وزارت ارشاد جمهوری اسلامی» بر آنها صحنه گذاشته باشند، هیچ دستگاهی آن صداهای به رسمیت نمی‌شناخت. در آن سال‌ها صداوسیما هم برای صدای آن خوانندگان آلترتاتیوی نداشت، چون اساساً موسیقی «پاپ» یا «راک» یا «جز» را «موسیقی غیرمجاز» تلقی و با پدیدآورندگان آن مقابله می‌کرد، اما فروش آلبوم‌های قاچاق «موسیقی لس آنجلسی» و ترویج زیرزمینی آن، مسئولان را بر آن داشت تا چاره‌ای بیندیشد و در این زمان بود که صدای مشابه خوانندگان لس آنجلسی رفته‌رفته از بلندگوهای رسمی شنیده شد. هرچند برای رسیدن به این چاره، نزدیک به سه دهه زمان لازم بود. چون در دهه ۶۰، انقلاب با سرعت فزاینده‌اش مجالی برای درنگ بسیار نداشت! اما آیا صدای بدلی خوانندگان مشهور توانست جای صدای خوانندگان اصلی را بگیرد؟ در این زمینه‌ها امر دقیق‌ی در دست نیست. هرچند که از بازخورد چنین پدیده‌ای در میان اطرافیان می‌توان فهمید که پروژه بدل‌سازی نتوانسته پروژه موفق باشد و شاید ازهمین رو بود که گروهی از جوانان مستعد این فرصت را یافتند تا تجربه‌های تازه‌ای به عرصه موسیقی وارد کنند؛ تجربه‌هایی که مخاطب یافتند و افاق‌های تازه‌ای را برای موسیقی گشودند. گروه‌های موسیقی یک‌به‌یک شکل گرفتند و کنسرت‌ها برپا شدند. سویای موسیقی، سینماگران دور از وطن نتوانستند به توفیق چندانی دست یابند. به‌استثنای یکی، دو چهره، هیچ‌کدام موفق نشدند؛ چه آنها که فیلم ساختند و چه آنها که بازی کردند. مشکل در تفاوت نگاه بود، چون باورها تغییر کرده بود. انقلاب اسلامی همه نگاه‌ها را تغییر داده بود. سینمای موسوم به «فیلمفارسی» دیگر جایی نزد مخاطبان نداشت. مخاطبان همان سینما هم تغییر کرده بودند. آنها ترجیح می‌دادند فیلم‌هایی از جنس انقلاب ببینند یا فیلم‌هایی به روحیه انقلابی آنان احترام بگذارند. سینمای «فیلمفارسی» هیچ‌یک از این ویژگی‌ها را نداشت. به تعبیر بسیاری از صاحب‌نظران آن نوع از سینما نقش مخدر در جامعه را ایفا می‌کرد. نمادهایی از قبیل سکس، زن کاباره‌ای و مردبزن بهادر جزء لاینفک چنین آثاری بودند. ازهمین‌رو به‌کلی آن نوع از سینما مردود و مطرود شناخته شد. هرچند که در کنار چنین سینمایی، «سینمای موج نو» هم شکل گرفته بود و به حیات خود ادامه می‌داد؛ سینمایی که با «شب فوزی» و «گاو»، «آرامش در حضور دیگران» و فیلم‌هایی از این دست آغاز شد تا چند دهه بعد به «جدایی نادر از سیمین» و «فرشده» برسد و این سینما نه در خارج از مرزها که در درون همین مرزها شکل گرفت. هرچند در نخستین سال‌های پس از انقلاب، سینما به‌کلی دچار تکانه شد، اما آن تکانه سبب نشد تا هنرمندان متفکر و صاحب اندیشه این عرصه را رها کنند.

کمپین

هم ملت از مدرسه تر

هم تک تک ما از فردای کودکان ایران است

کمپین ساخته مدرسه ۴۴۰ متری روستای ساندکزه‌ی با بیش از ۳۰۰ دانش آموز به یاد شادروان مهندس توبج ماهی بیرجند آغاز شد.... من،

یک ماهی هستم.

شماره کارت بانک پاسارگاد:

برای اطلاعات بیشتر به سایت انجمن مراجعه کنید

Tel: 021 88175250

5022 2919 0004 6598

www.hamiassociation.org

@Hami_association

انجمن حامی